

## سنجه گفتمان سیاست خارجی اعتدال گرا در اندیشه سیاسی امام خمینی

ندا حیدری<sup>۱</sup>

### چکیده

پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون، گفتمان‌های مختلف با ویژگی‌های خاص خود بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم بوده اند. جدیدترین گفتمان مطرح در حوزه سیاست خارجی ایران که با روی کار آمدن دولت یازدهم از سال ۱۳۹۲ مطرح شده، گفتمان اعتدال گرایی است که دارای شاخصه‌های مهمی می‌باشد. آن چه که اکنون تحت عنوان گفتمان اعتدال گرایی شناخته می‌شود و جنبه نظری به خود گرفته، دارای پایه‌های تئوریک و اساسی در اندیشه اشخاص بزرگ و بنیان گذاران اولیه انقلاب اسلامی است. امام خمینی (ره) یکی از این اشخاص است که بینش و مشی اعتدالی در آراء و سیره ایشان چه در حوزه مسائل داخلی و چه در حوزه مسائل خارجی نمود بسیاری دارد. بنابراین هدف این پژوهش بررسی و ارزیابی گفتمان سیاست خارجی اعتدال گرا در اندیشه سیاسی امام خمینی است. در واقع در این پژوهش به سنجش مؤلفه‌ها و شاخص‌های گفتمان اعتدال گرایی در اندیشه سیاسی امام خمینی در حوزه سیاست خارجی پرداخته می‌شود. آن چه از اندیشه سیاسی امام خمینی در زمینه سیاست خارجی برداشت می‌شود، سیاست و روش اعتدال و مبانی و اصول اعتدال گرایی است، که مهم‌ترین یافته این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

کلمات کلیدی: گفتمان اعتدال گرایی، سیاست خارجی، اندیشه سیاسی، امام خمینی.

### مقدمه و بیان مسئله

سیاست خارجی همواره از مناقشه برانگیزترین حوزه‌های سیاست گذاری بوده است. در زمینه سیاست گذاری در حوزه سیاست خارجی عوامل گوناگونی تأثیرگذارند که یکی از مهم‌ترین این عوامل تأثیر شخصیت‌ها و اندیشه‌های آنان است. در جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام دارای جایگاه ویژه‌ای در تبیین اصول و مبانی سیاست خارجی است. گفتمان‌های مطرح در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز در صورتی تلازم می‌یابند که با اهداف نظام اسلامی و آرمان‌های انقلاب و به

<sup>۱</sup> دانش آموخته فوق لیسانس علوم سیاسی دانشگاه رازی کرمانشاه، neda.heidari@ymail.com

تعبیر دیگر با اندیشه سیاسی امام خمینی هم خوانی و مطابقت داشته باشند. جدیدترین گفتمان مطرح در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که اخیراً بنیادهای نظری آن شکل گرفته و به‌عنوان گفتمان سیاست خارجی پدید آمده و اهداف آن دنبال می‌گردد، گفتمان سیاست خارجی اعتدال گراست. بررسی شاخصه‌ها، ویژگی‌ها و اهداف گفتمان سیاست خارجی اعتدال گرا در اندیشه سیاسی بنیان گذار انقلاب اسلامی ایران و همین‌طور تطبیق عناصر و دقایق این گفتمان با اصول و مبانی اندیشه سیاسی امام خمینی و ساختار نظام و انقلاب اسلامی، مسئله‌ای مهم و نیازمند بررسی است. بنابراین پاسخ به این سؤال که «ویژگی‌ها و مؤلفه‌های گفتمان سیاست خارجی اعتدال گرا چه نسبتی با اندیشه سیاسی امام خمینی در حوزه سیاست خارجی دارد؟» مبنای این پژوهش را تشکیل می‌دهد و فرضیه‌ای که در پاسخ به سؤال اصلی طرح و بررسی می‌شود این است که «روش اعتدال گرایی در سیاست خارجی از اندیشه سیاسی امام خمینی برداشت می‌شود و مؤلفه‌های گفتمان سیاست خارجی اعتدال گرا در اندیشه و سیره امام خمینی قابل مشاهده است».

اهمیت حوزه سیاست خارجی، مطرح شدن گفتمان جدید اعتدال گرایی در این حوزه و بیش از آن تطبیق این اصول با اندیشه سیاسی امام خمینی ضرورت بحث را نشان می‌دهد. بنابراین هدف اصلی این پژوهش بررسی مؤلفه‌های اعتدال گرایی در سیاست خارجی در اندیشه سیاسی امام خمینی است. از این‌رو سازماندهی این پژوهش به این شرح است که ابتدا گفتمان اعتدال گرایی در سیاست خارجی و ویژگی‌های و مؤلفه‌های آن بررسی شده و به روش شناسی پژوهش پرداخته می‌شود. سپس شخصیت شناسی امام خمینی و اندیشه اعتدالی ایشان مورد بررسی قرار می‌گیرد. بررسی اصول اعتدال گرایی در اندیشه سیاسی امام خمینی و تطبیق ویژگی‌ها و مؤلفه‌های گفتمان سیاست خارجی اعتدال گرا با اندیشه سیاسی امام خمینی بخش اصلی پژوهش را شکل می‌دهد. با ارائه جمع‌بندی مطالب و بیان نتیجه‌گیری نیز بحث پژوهش به پایان می‌رسد.

## ۱. مبانی نظری و روش شناسی پژوهش

### ۱-۱. گفتمان اعتدال گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

با توجه به تازه مطرح شدن این گفتمان در عرصه سیاست خارجی به‌صورت رسمی و این‌که پایه‌های نظری آن نیز به تازگی شکل گرفته است، مهم‌ترین و جامع‌ترین بررسی که تا به حال راجع به این گفتمان صورت گرفته است، توسط دکتر دهقانی فیروزآبادی است که به خلاصه‌ای از مباحث بیان شده توسط ایشان در حوزه گفتمان سیاست خارجی اعتدال گرا پرداخته می‌شود.

با آغاز به کار دولت یازدهم در ۱۳ مرداد ماه ۱۳۹۲ خردۀ گفتمان دیگری در چارچوب کلان گفتمان اسلام گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ظهور کرد. این خردۀ گفتمان، براساس گفتمان عام این دولت، اعتدال گرایی نامیده می‌شود. بر مبنای منطق تحول و چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران گفتمان اعتدال گرایی را می‌توان «آرمان خواهی واقع بینانه» یا «آرمان گرایی واقع بین» نامید. دال مرکزی گفتمان اعتدال گرایی تعادل و توازن است که برحسب توازن بین آرمان

و واقعیت، انواع عقلانیت، مصالح اسلامی و منافع ملی، اهداف سیاست خارجی، اهداف و ابزار سیاست خارجی، عناصر قدرت ملی، اعمال قدرت و دیپلماسی، حق و تکلیف، سه اصل عزت، حکمت و مصلحت، ساختار سیاست خارجی و توسعه روابط خارجی تعریف می‌شود. عناصر و دقایق گفتمان اعتدال گرائی نیز عبارتند از: آرمان گرائی، واقع گرائی، عقل گرائی متوازن، تکلیف گرائی معطوف به نتیجه، تعامل گرائی سازنده، امنیت طلبی، منزلت طلبی، صلاح طلبی، عدالت گرائی، تحول گرائی، کمال گرائی، توسعه گرائی متوازن و چندجانبه گرائی متوازن. گفتمان اعتدال گرائی به‌عنوان یک خرده گفتمان در کلان گفتمان اسلام گرائی ظرفیت بالاتری را برای بهره گیری از واقع بینی در تحقق اهداف و منافع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به خدمت می گیرد (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۳: ۱).

معنای لغوی اعتدال، رعایت حد وسط و میانه در بین دو حال از جهت کمیت و مقدار و از جهت کیفیت و چگونگی است. در آموزه‌های اسلامی، به ویژه در قرآن کریم و نهج‌البلاغه، بر اعتدال و رعایت حد وسط تأکید شده است. در سیاست خارجی اعتدال به معنای نفی و پرهیز از گفتمان‌های افراطی و تفریطی تعریف می‌شود. ولی فهم دقیق این گفتمان مستلزم تعریف آن به‌صورت ایجابی و مثبت است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۷-۵).

براساس معنا و مفهوم اعتدال، دال مرکزی و متعالی گفتمان اعتدال که عناصر و دقایق آن نیز حول آن معنا و مفصل‌بندی می‌شوند را می‌توان «تعالی و توازن» تعیین و تعریف کرد. در چهارچوب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تعادل و توازن را می‌توان بر حسب این موارد تلخیص و تبیین کرد: ۱. توازن و تعادل بین آرمان‌گرائی و واقع‌گرائی، ۲. تعادل و توازن بین اهداف سیاست خارجی، ۳. تعادل و توازن بین مصالح اسلامی و منافع ملی، ۴. تعادل و توازن بین اهداف و ابزار سیاست خارجی، ۵. توازن و تعادل بین عناصر قدرت ملی، ۶. تعادل و توازن بین اعمال قدرت و دیپلماسی، ۷. تعادل و توازن بین حق و تکلیف، ۸. تعادل بین سه اصل عزت، حکمت و مصلحت، ۹. توازن و تعادل در ساختار سیاست خارجی، ۱۰. توازن و تعادل در توسعه روابط خارجی (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۳: ۱۳-۷).

عناصر و دقایق گفتمان اعتدال گرائی را می‌توان براساس ماهیت آرمان‌گرای واقع بین آن تنظیم و تبیین کرد. به طوری که مجموع عناصر و دقایق آرمان‌گرائی و واقع بینی تشکیل دهنده دقایق گفتمان اعتدال گرائی خواهند بود. ازاین‌رو، این دقایق در یک زنجیره هم‌ارزی قوام بخش و هویت دهنده این گفتمان بوده و قابل تفکیک و تجزیه نیستند: ۱. آرمان‌گرائی، ۲. واقع بینی، ۳. عقل‌گرائی متوازن، ۴. تکلیف‌گرائی معطوف به نتیجه (نتیجه‌گرائی مبتنی بر ادای تکلیف)، ۵. تعامل‌گرایی مؤثر و سازنده، ۶. امنیت طلبی مثبت، ۷. منزلت طلبی، ۸. صلاح طلبی مثبت، ۹. عدالت‌گرائی، ۱۰. تحول‌گرایی بین‌المللی، ۱۱. کمال‌گرائی، ۱۲. توسعه‌گرائی متوازن، ۱۳. چندجانبه‌گرائی متوازن (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۳: ۳۱-۱۴).

بر اساس ماهیت و مختصات گفتمان اعتدال‌گرایی، این گزاره‌ها را می‌توان استنتاج کرد:

اول، گفتمان اعتدال‌گرائی نیز یکی از خرده‌گفتمان‌های کلان‌گفتمان اسلام‌گرائی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. ازاین‌رو، حاکمیت این گفتمان بر سیاست خارجی ایران را نباید به مثابه گسست‌گفتمانی در آن تلقی کرد. زیرا، این گفتمان

در عین افتراقات و تفاوت ها با سایر خرده گفتمان‌های پیشین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نقاط مشترک زیادی نیز با آن‌ها دارد. به ویژه، واکاوی عناصر و دقایق گفتمان اعتدال گرایی بیانگر شباهت و قرابت آن با گفتمان‌های واقع گرایی اسلامی و صلح گرایی مردم سالار است. جایگاه برجسته عنصر واقع گرایی و مصلحت گرایی به مثابه یکی از دو جزء قوام بخش و توسعه اقتصادی به‌عنوان یکی از عناصر مقوم گفتمان اعتدال گرایی، مهم ترین وجوه اشتراک آن با گفتمان واقع گرایی اسلامی در دوران سازندگی است. همسانی در عناصر و دقایقی چون تعامل سازنده، تنش زدایی، اعتمادسازی، صلح دموکراتیک، تحول گرایی تدریجی، عدم تعهد اصلاح طلب، صلح طلبی مثبت، سلطه ستیزی نرم و چندجانبه، دولت حداقلی و عقلانیت ارتباطی و استدلالی مهم ترین وجوه شباهت و قرابت گفتمان اعتدال گرایی و صلح گرایی مردم سالار است.

دوم، مهم ترین دقیقه گفتمان اعتدال گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تعامل مؤثر سازنده است. به گونه ای که دکترین تعیین یافته در این گفتمان را می‌توان دکترین تعامل سازنده مؤثر نامید. از این رو، سیاست خارجی ایران در دولت یازدهم براساس گفتمان اعتدال گرایی، در جهت تعامل فعال و توسعه و بازسازی روابط متوازن با جهان خارج حرکت خواهد کرد. بازسازی و توسعه روابط نیز بر پایه همزیستی مسالمت آمیز، تفاهم، احترام و منافع متقابل، تنش زدایی متقابل و اعتمادسازی متقابل استوار خواهد بود.

سوم، عنصر واقع بینی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دولت یازدهم تشدید و تقویت شده و خواهد شد. این تحول ناشی از چند عامل گفتمانی و فراگفتمانی است. مهم ترین عامل گفتمانی در ارتقای جایگاه واقع گرایی در سیاست خارجی دولت یازدهم، نسبت و رابطه تنگاتنگ و استوار اعتدال، عقلانیت و واقع بینی در گفتمان اعتدال گرایی است. عاملی که ایجاب می‌کند از طریق ایجاد توازن آرمان و واقعیت عنصر واقع گرایی در سیاست خارجی اعتدال گرا در نظریه و رویه تقویت گردد. ویژگی های شخصیتی و نظام باورهای رئیس جمهور روحانی دومین عامل تقویت کننده واقع گرایی در سیاست خارجی دولت یازدهم است. چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دلیل سوم تقویت و تشدید عنصر واقع گرایی در سیاست خارجی دولت یازدهم است.

چهارم، با عنایت به نقش کانونی عقل گرایی و عقلانیت متوازن در گفتمان اعتدال گرایی انتظار می‌رود که در سیاست خارجی دولت یازدهم از عقلانیت های ایزاری، اخلاقی، انتقادی، هنجاری، ارتباطی، و استدلالی استفاده متوازن شود. از سوی دیگر، پیش بینی می‌شود، بنابر ماهیت مسائل و موضوعات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به کارگیری عقلانیت های هنجاری، ارتباطی، و استدلالی در سیاست خارجی دولت یازدهم تشدید و تقویت گردد (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۳: ۳۷-۳۵).

## ۱-۲. روش شناسی پژوهش

محتوای این پژوهش کیفی و روش تحقیق نیز به‌صورت توصیفی - تحلیلی و از طریق تحلیل محتوا صورت می‌گیرد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از ابزار نظری گفتمان اعتدال گرایی در سیاست خارجی بهره گرفته می‌شود. روش گردآوری داده ها و اطلاعات برای آزمون فرضیه نیز به‌صورت کتابخانه ای انجام گرفته است.

## ۲. شخصیت‌شناسی و بررسی اعتدال‌گرایی در اندیشه امام خمینی

امام خمینی یکی از اثرگذارترین شخصیت‌های ربع آخر قرن بیستم است که شعاع اندیشه و کردارش نه فقط بر ایران و جغرافیای تشیع، بلکه گستره جهان اسلام و استضعاف تأثیر گذارده و به رغم گذشت حدود دو دهه از رحلت ایشان، هنوز در محافل فکری بحث در باره خاستگاه، مختصات و پیامدهای آرا و رفتار وی، موضوعی درخور توجه است (خانی، ۱۳۸۹: ۱۵۰). امام خمینی به‌عنوان فقیه عالی‌قدر و بیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران، اساس کار خود را اسلام قرار داد و در همه عرصه‌ها، بر موازین و اصول اسلام جامه‌ی عمل پوشاند. یکی از برجسته‌ترین اصولی که ایشان در همه عرصه‌ها، به‌ویژه سیاست و حکومت تحقق بخشید، اصل رعایت اعتدال بود (صفری، ۱۳۹۳: ۲).

اعتدال مصدر باب افتعال از ریشه‌ی «عدل» و در لغت به معنای حد میانه، میانه‌روی، اخلاط چهارگانه گفته می‌شود. این مفهوم در مقابل دو مفهوم افراط و تفریط قرار دارد. حد متوسط بین دو وضعیت دیگر است. مفهوم اعتدال در علوم و حوزه‌های مختلف دارای معانی و کاربردهای متفاوت است. خدولند در قرآن کریم مفهوم اعتدال و میانه‌روی را با واژگانی چون «قوام»، «وسط»، «قصد»، «سواء» و «حنیف» بیان کرده و از اهمیت و ارزش آن سخن گفته است. اهمیت این امر به اندازه‌ای است که خدولند اعتدال را مینا و اساس آفرینش این جهان معرفی می‌نماید. لذا دین اسلام اعتدال را یک امر اساسی و فراگیر در همه‌ی عرصه‌ها دانسته و رعایت آن را لازم و ضروری اعلام می‌نماید، زیرا رعایت اعتدال و عدم افراط و تفریط سبب حصول نتیجه دقیق و صحیح می‌شود؛ دین مبین اسلام انسان را به رعایت اعتدال در همه‌ی شئون زندگی توصیه می‌نماید، زیرا اعتدال رمز موفقیت، تعالی و کمال و خروج از آن سبب انحراف است (صفری، ۱۳۹۳: ۱). امام خمینی از استعدادهای و امکانات در حد مطلوب استفاده می‌کرد و از اسراف و تبذیر و افراط و تفریط، سخت‌گیری جلوگیری می‌نمود. امام در این زمینه الگوی موفقی است که همگان باید خود را با ایشان سنجیده و از خط اعتدال او در تمامی امور زندگی منحرف نشوند. زندگی امام در همه ابعاد براساس اعتدال تنظیم شده بود (رشد، ۱۳۹۴).

اعتدال در اندیشه امام خمینی در چارچوب اندیشه اسلامی مطرح می‌شود. امام به مثابه یک مصلح دینی و یک احیاگر بزرگ، در تلاش برای معرفی اسلام اصیل از قرائت‌های افراطی و تفریطی از اسلام، رویکردی جامع و معتدل به اسلام داشت. ایشان اسلام ناب را در تقابل با رویکردهای افراطی متحجران و تفریطی متجددان غرب زده قرار می‌داد. بنابراین در چارچوب اندیشه‌ی اسلامی امام اسلام ناب محمدی، خط اعتدال است. از منظر امام هرگونه عدول از اسلام ناب، خارج شدن از خط اعتدال و لغزیدن به سوی رویکرد‌های انحرافی است. در واقع در چارچوب اندیشه‌ی امام، تحجر و غرب زدگی به مثابه دو لبه یک قیچی عمل می‌کنند که به اسلام ناب و راستین ضربه می‌زنند. امام به‌عنوان یک اسلام‌شناس برجسته نگرشی جامع به اسلام داشت. ایشان از سویی نگرش‌های افراطی اسلامی را که یا چهره خشن از اسلام معرفی می‌کنند یا توانایی انطباق با نیازهای جدید جامعه‌ی مسلمانان را ندارند، رد می‌کرد و از سوی دیگر در برابر تفکرهای تفریطی غرب زده که توانایی اسلام را در اداره‌ی امور جامعه انکار می‌کردند، نیز می‌ایستاد. با توجه به مبانی اندیشه سیاسی حضرت امام روشن می‌شود که پایه انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران بر شالوده‌ی تفکر اعتدالی به اسلام شکل گرفته است (ایرنا، ۱۳۹۳).

از دیگر حوزه‌هایی که عملکرد امام خمینی مظهر و تبلور اعتدال است، عرصه‌ی سیاست خارجی است که با توجه به شرایط کنونی جامعه‌ی ایران نیز دارای اهمیت فراوانی است (صفری، ۱۳۹۳: ۵). سیاست خارجی، چگونگی روابط با کشورهای خارجی و نحوه تعامل دولت اسلامی در عرصه‌های بین‌المللی، و دفاع از مظلومان و محرومان در سراسر دنیا، یکی از مباحث مهم در اندیشه سیاسی امام خمینی محسوب می‌شود (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۰: ۳). افزون بر این‌که اعتدال و میانه‌روی را می‌توان در مواضع کلامی و فلسفی امام مشاهده کرد، نگرش ایشان در عرصه‌ی سیاست خارجی را می‌توان به نوعی آرمانگرایی واقع‌بینانه دانست؛ رویکردی که به همان سان که آرمان‌های انقلابی و عادلانه را پی می‌گیرد به منافع ملی نیز توجه دارد. در چارچوب نگرش حضرت امام، سیاست خارجی سلطه‌پذیر و سلطه‌جو و در پیش گرفتن این دو روش، به معنای خروج از محور اعتدال است. از منظر امام راه میانه و اعتدال، داشتن روحیه‌ی انقلابی برای ایستادن در برابر استعمار و استبداد و درعین‌حال رعایت عدالت در منصب قدرت است. بنابراین مشی سیاست خارجی حضرت امام را باید رویکردی اعتدال‌گرا دانست؛ رویکردی که در چارچوب اصول سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی متجلی و متبلور است (ایرنا، ۱۳۹۳). ایشان در مقابل سیاست خارجی که رژیم پهلوی داشت و همچنین در مقابل سیاست مسامحه‌گرانه و ضعیفی که بعد از انقلاب بعضی از گروه‌ها معتقد به آن بودند، سیاست خارجی را سرلوحه کار خویش قرار داد که عین اعتدال بود و منافع حداکثری را برای اسلام و مسلمین تأمین می‌نمود. در این حوزه، همانند سایر حوزه‌های اجتماعی و سیاسی، امام اصل اساسی را اسلام قرار داد و گام‌های خود را طبق صراط مستقیم برداشت که خداوند به‌عنوان خط اعتدال هدایت مردم فرورستاده بود. ایشان عمل برطبق اسلام و ایستادگی و پایداری بر اصول اساسی آن را عین اعتدال می‌دانست. نگرش امام خمینی در عرصه سیاست خارجی نوعی آرمان‌گرایی واقع‌بینانه بود. رویکردی که در عین حفظ آرمان‌های انقلابی و عادلانه، تأمین منافع ملی را از اساسی‌ترین اصول برنامه خویش می‌دانست. در چارچوب نگرش حضرت امام، اعتدال در سیاست خارجی، مترادف با سلطه‌پذیری و سلطه‌گری، ظلم‌پذیری و ستمگری نیست، بلکه این امور خود عین خروج از اعتدال است. ایشان با درکی صحیح از مناسبات ناعادلانه بین‌المللی، سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری را دو مسیر افراط و تفریط می‌دانست و احترام به حقوق اساسی هر ملت را عادلانه‌ترین و مطلوب‌ترین استراتژی بین‌المللی معرفی نمود (صفری، ۱۳۹۳: ۵).

امام خمینی به منزله فقیهی سیاستمدار و بنیان‌گذار نظام اسلامی مبتنی بر تعالیم دینی مکتبی، نوع مواجهه خود با محیط خارجی و روابط موجود در آن را از سوئی بر رهیافت واقع‌گرایانه بر اساس تجربه تاریخی و مطالعه وضع مسلمانان و مستضعفان جهان و درکی عمیق از سیاست و رفتار بازیگران این عرصه به ویژه قدرت‌های بزرگ و از سوی دیگر، برای تحقق حاکمیت اسلام بر جهان، بر اساس راهبردی آرمان‌گرایانه مبتنی بر معارف و تعالیم دینی و اشراف بر سیره نظری و عملی پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع)، استوار ساخت. توجه به ملت‌ها و مستضعفان جهان، تأکید بر بیداری ملت‌ها و تقویت اتحاد و روح مبارزه با زورگویی و سلطه‌قدرت‌های جهانی در میان آنها، برقراری عدالت و حاکم شدن ارزش‌های توحیدی و مبانی اسلام، جایگاهی خاص در ادبیات سیاست خارجی امام دارد (خانی، ۱۳۸۹: ۱۶۷). سیاست خارجی حضرت امام نکته مهمی است. امام خمینی در عرصه سیاست خارجی دو سطح آرمانی و عملیاتی را هم‌زمان دنبال می‌کردند. موضوع اعتدال یک تبار تاریخی، تبار دینی و یک

تبار پس از انقلاب دارد و در واقع این رفتار اعتدالی در تداوم خود در ادوار مختلف ظهور و بروز داشت تا زمانی که ما به انقلاب اسلامی می‌رسیم. بنیان‌های فکری اعتدال به مجموعه اقدامات خطابه‌ها، نامه‌ها و سیاست‌های حضرت امیر در دوره پنج ساله خلافت‌شان باز می‌گردد، این فرایند بومی‌سازی این اندیشه منطبق با زمان و مکان، ماهیت گفتن اعتدال امروز را شکل می‌دهد. در حقیقت ریشه اعتدال سیره و سنت حضرت رسول (ص) و حضرت امیر (ع) است. ما دوره‌های تاریخی عقلانیت و اعتدال را در رفتار بزرگان هم داشته و داریم تا اینکه به انقلاب اسلامی که مظهر آن حضرت امام خمینی است می‌رسیم. در این اعتدال‌گرایی انقلاب اسلامی، عقلانیت، مصلحت، انسجام، وحدت، امت اسلامی، مستضعفین، عدالت، اخلاق دیده می‌شود که این مفاهیم مفاهیم کانونی و بنیادین اندیشه حضرت امام است، امام چتر بزرگی بود که همه گرایش‌ها و نحله‌های فکری می‌توانستند در زیر این چتر حیات سیاسی آزادانه‌ای داشته باشند. نگرش آرمانی مبتنی بر مفاهیم بلند انقلاب اسلامی بود که در تصویر امت واحده جهان اسلام، ام‌القری و موارد مشابه شکل می‌گیرد (صالحی امیری، ۱۳۹۳).

### ۳. اصول اعتدال‌گرایی در اندیشه سیاسی امام خمینی

میانی سیاست خارجی از منظر امام که اصول اعتدال‌گرایی در اندیشه سیاسی ایشان شناخته می‌شود در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

#### ۳-۱. نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری

از اصول سیاست خارجی امام خمینی، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است. ایشان برای حیات زیر سلطه غیر، ارزشی قائل نمی‌شوند، بلکه ارزش حیات را به آزادی و استقلال می‌دانند. ایشان اذعان می‌دارند که: «ما منطقمان، منطلق اسلام، این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد. نباید شما تحت سلطه غیر بروید. ما هم می‌خواهیم نیرویم زیر سلطه» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۹۳). بنابراین یکی از اصول و اهداف سیاست خارجی امام که برگرفته از اصل قرآنی «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء، ۴۱) است، نفی هر نوع سلطه می‌باشد (رجایی، ۱۳۹۴). امام خمینی بر اساس قاعده نفی سبیل، با هر نوع سلطه طلبی و مداخله بیگانگان در امور مسلمین به شدت مخالفت می‌کنند. شاید بتوان چنین گفت که مخالفت امام با استعمار، قطع سلطه اجانب و مخالفت با اتکای به قدرت‌های سلطه‌گر، از همین اصل برخاسته است (مخبر، ۱۳۹۳: ۹). بنابراین از اصول مهم و اولیه سیاست خارجی جمهوری اسلامی، نفی و طرد کامل هرگونه سلطه، ستمگری و ستم‌پذیری می‌باشد و باید از مناسبات و روابط مبتنی بر سلطه اجتناب نماید. امام خمینی در این زمینه می‌فرماید: «از اصول مهم است که مسلمانان تحت سلطه کفار نباشند. خدای تبارک و تعالی برای هیچ یک از کفار، سلطه بر مسلمانان قرار نداده است و نباید مسلمانان این سلطه کفار را قبول کنند.» مهم‌ترین هدف نفی و نهی دائمی و همیشگی تسلط کفار بر جوامع اسلامی، حفظ عزت و احترام مسلمانان است و نباید این عزت در روابط و مناسبات اجتماعی و سیاسی مخدوش گردد (دیدبان، ۱۳۹۳: ۱).

#### ۳-۲. نفی ستمگری و پذیرش ستم (نفی ظلم و ظلم‌پذیری)

یکی از اصول مهم سیاست خارجی ایران از دید امام خمینی ظلم نکردن و مورد ظلم واقع نشدن بود. به زعم ایشان کشور اسلامی نمی‌تواند بر کشورهای دیگر سلطه یابد و از طریق ظلم و جور بر امورات دیگران دست درازی کند. ایشان بر آزادی ملت‌ها برای تعیین سرنوشت خود احترام فرلوانی قائل بودند و بر این اساس ایشان معتقد بودند مبارزه با ظلم و ستمگری بیگانگان که هدفی جز غارت منابع کشورهای ضعیف ندارند می‌باید در سرلوحه کار ملت‌ها قرار گیرد (خرازی، ۱۳۹۰: ۲). امام خمینی هر نوع ظلم و ظلم‌پذیری «لا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ» (بقره، ۲۷۹) در سیاست خارجی را محکوم می‌کرد و می‌فرماید: ملت اسلام پیرو مکتبی است که برنامه آن مکتب در دو کلمه خلاصه می‌شود؛ نه ظلم بکنید و نه زیر بار ظلم بروید (رجایی، ۱۳۹۴). امام خمینی با استناد به سیره انبیا، ملت اسلام را پیرو مکتبی می‌دانست که برنامه آن در دو کلمه «نه ستم کنید، نه مورد ستم قرار گیرید» خلاصه می‌شود. ایشان می‌فرمایند: «ما نه ظلم خواهیم کرد؛ و نه مظلوم خواهیم واقع شد». در واقع، امام می‌خواهد تا با ابر قدرت‌ها و ظالمان مخالفت شود. ایشان سازش با ظالم را ظلم به مظلومان و ظلم به شرع و خلاف رأی انبیا می‌دانست (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۹۳).

نهی ظلم و ظلم‌پذیری همانگونه که در اندیشه حضرت امام مورد توجه قرار می‌گیرد در میان اصول قانون اساسی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. امام معتقدند، ما با کشورها مخالفتی نداریم. ما با دولتهایی که ظالم هستند، چه به ما ظلم کرده باشند و چه به برادران مسلمان ما ظلم کرده باشند و بکنند، با آنها دشمن هستیم. این دولت، دولت اسلامی و تحت رهبری رهبران اسلام است و هرگز ظلم به غیر، ولو هرچه ضعیف باشند، روا نمی‌دارد و ظلم از غیر، هرچه قوی باشد، تحمل نمی‌کند. در اندیشه سیاسی حضرت امام، ملت‌ها و دولت‌ها از یکدیگر مجزا هستند، چنانچه ایشان مبنای تنظیم سیاست خارجی را رفتار دولت‌ها می‌دانند و وظیفه جمهوری اسلامی را دفاع از مظلوم در هر کجای دنیا اعلام می‌کنند (اسماعیلی، ۱۳۹۴: ۴).

### ۳-۳. ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و استکبارستیزی

یکی از اهداف انقلاب اسلامی که مستنبط از احکام اسلامی است، نفی نظام سلطه و اتخاذ استراتژی طرد و انقباضی در برابر استعمار و استکبار و ترویج عدالت‌خواهی در سراسر جهان می‌باشد. این امر را می‌توان از ماهیت فراملیتی و فراسرزمینی انقلاب اسلامی هم پیجویی کرد که درصدد ترویج و صدور ارزش‌های عدالت‌خواهی و سلطه‌ستیزی می‌باشد. همچنان که امام خمینی می‌فرماید: «تکلیف ما این است که با ظلم مبارزه کنیم» (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۳۳۵). عدم پذیرش تسلط قدرت‌های سلطه‌گر و عدم تعهد نسبت به آنان در سیاست خارجی لازم ولی غیرکافی است. بنابراین، جمهوری اسلامی، علاوه بر بستن راه هرگونه سلطه و نفوذ، مکلف به مبارزه با استکبار، نظام سلطه، ظلم و بی‌عدالتی است (خانی، ۱۳۸۹: ۱۶۲). امام خمینی بنیان‌گذار انقلاب می‌فرماید: «ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌المللی اسلامی مان بارها اعلام نموده ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم.» (دیدبان، ۱۳۹۳: ۱). اندیشه ظلم‌ستیزی حضرت امام که برخاسته از تفکر دینی و بلور ناب مذهبی ایشان بود، از یک سو با طرح پدیده ظلم‌ستیزی به‌عنوان تکلیف دینی، موجب شد که این تفکر با غیرت دینی امت اسلامی گره خورده و برای همیشه به‌عنوان یکی از الزامات و تکالیف دینی نقش آفرین



گردد و از سوی دیگر، روحیه مبارزه با ظلم و قدرت های استکباری را در عمق جان توده های تحت ستم کاشته و بدین سان، زمینه خیزش و جنبش های رهایی بخش و ضد استعماری را بیش از پیش فراهم سازد. مواجهه و رویارویی جدی و همه جانبه حضرت امام با دنیای استکباری و بویژه ابرقدرت آمریکا، در ابعاد نظری و عملی، تأثیرات خاص و عمیقی را در جهان و بویژه جنبش های اسلامی از خود به جای گذاشت. بنابراین مبارزه با ظلم و نفی استکبار، از اصول اساسی اندیشه مبارزاتی حضرت امام بوده و همواره مورد تأکید قرار گرفته است (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۹۴).

### ۳-۴. اصل نه شرقی-نه غربی

این اصل که در واقع یکی از شعارهای اساسی مردم در بحبوحه انقلاب بود و برگرفته از سخنان امام خمینی است که در موارد متعددی به این مسئله اشاره کرده اند: « ملت ایران بدون اتکا به غرب و شرق می خواهد روی پای خود بایستد و بر سرمایه های مذهبی و ملی خود استوار باشد.» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۹۳). امام خمینی اتکا به سرمایه های مذهبی و ملی را جایگزین وابستگی ها می دانند و می فرمایند: ملت ایران بدون اتکا به غرب و شرق می خواهد روی پای خود بایستد و بر سرمایه های مذهبی و ملی خود استوار باشد. حضرت امام استقلال کشور را دست یافتنی و منوط به قطع وابستگی می دانند. استقلال کامل نیازمند قطع وابستگی به شرق و غرب است و آن هم هدفی است که ما به آن خواهیم رسید و در این راه همراهی نخبگان جامعه را لازم می دانند. نویسنده های ما بهترین خدمتشان امروز این است که این ملتی که ایستاده در برابر شرق و غرب و نمی خواهد تحت نظام شرق یا نظام غرب باشد، امید به آنها بدهند که می توانند تا آخر وابسته به شرق و غرب نباشید (اسماعیلی، ۱۳۹۴: ۵).

### ۳-۵. حمایت از مستضعفان و جنبش های آزادی بخش

این اصل در واقع مکمل اصل استکبارستیزی و ظلمستیزی است؛ چرا که ارتباط کارکردی بین مبارزه با مستکبران و حمایت از مستضعفان وجود دارد. به عبارت دیگر، شیوه های استکبارستیزی دوگانه است: نخست، مبارزه با مستکبران و سلطه گرانی که مهم ترین عامل استضعاف ملل هستند، دوم، حمایت و پشتیبانی از مات های مستضعف که معلول ناآگاهی از یک طرف و خشونت ساختاری نظام سلطه از طرف دیگر می باشد. همان گونه که امام خمینی (ره) فرموده اند، ما طرفدار مظلوم هستیم. هر کسی در هر قطبی مظلوم باشد، طرفدار آن هستیم (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۳۳۵). اصل حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان از آن چنان جایگاهی برخوردار است که در قانون اساسی نیز بر آن تأکید شده است. امام عقیده دارند که اساساً اسلام آئین برادری است و در آن نژاد و رنگ مطرح نیست، بلکه اسلام برای تربیت انسان آمده است. آنچه مطرح است اخوت، دوستی بین مسلمین و رفع اختلافات است. بنابراین، روابط کشورها بر اساس مبانی اسلام خواهد بود، و بر این اساس امام بر استفاده مسلمین از تمامی امکانات و وسایل جهت دفاع از ارزش های الهی در برابر استکبار جهانی و ستیز با مشرکان و کافران و ستمگران در کل

شرق و غرب به سرکردگی آمریکا تأکید کردند. حضرت امام حمایت از نهضت‌های آزادیبخش را مورد توجه قرار داده و می‌فرمایند. ما از تمام کشورهای زیر سلطه برای به دست آوردن آزادی و استقلال کاملاً پشتیبانی می‌نماییم، و به آنان صریحاً می‌گوییم که حق‌گرفتنی است. قیام کنید و ابرقدرت‌ها را از صحنه تاریخ روزگار براندازید (اسماعیلی، ۱۳۹۴: ۶-۵).

### ۳-۶. حمایت و دفاع از کیان اسلام و مسلمانان

از دید امام خمینی دفاع از مسلمانان در هر نقطه دنیا، یک تکلیف است. در واقع، از نگاه امام حمایت از مسلمانان به‌عنوان یک ارزش دینی و اسلامی باید در سرلوحه کارها قرار گیرد و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف مسلمانان مطرح باشد. اما این حمایت و دفاع از حقوق مسلمانان می‌تواند در چند سطح عملی شود: نخست، در سطح امت و جهان اسلام که به‌صورت پشتیبانی از نهضت‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش اسلامی می‌باشد. دوم، پشتیبانی از مسلمانان که در حال مبارزه با ساختار سلطه هستند و سوم؛ دفاع از حقوق اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیراسلامی می‌باشد (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۳۳۵). ایشان برنامه سیاست خارجی ایران را برنامه اسلام ذکر می‌کنند و می‌فرمایند: «ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است» و در جای دیگری دفاع از همه مسلمین را لازم می‌دانند: «ما کشور را، کشور ایران نمی‌دانیم، ما همه ممالک اسلامی را از خودمان می‌دانیم، مسلم باید این طور باشد. ما دفاع از همه مسلمین را لازم می‌دانیم.» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۹۳). مبارزه با استکبار و پشتیبانی از مبارزات مستضعفان در برابر مستکبران، حمایت جمهوری اسلامی ایران از مسلمانان و دفاع از حقوق آنان را به طریق اولی ایجاب می‌کند، چون در حقیقت همه مسلمانان و کلیه جوامع پراکنده اسلامی اجتماع و امت واحدی را تشکیل می‌دهند که دولت اسلامی مکلف به حمایت و دفاع از آنان است. بنابراین سیاست خارجی جمهوری اسلامی به‌عنوان یک دولت اسلامی «بر اساس ... تعهد برادرانه نسبت به مسلمانان؛ متعهد به دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان» است. همچنین امام خمینی می‌فرماید: «ما با تمام مسلمانان برادر هستیم و این یک اصل اسلامی است که هر مسلمانی باید به مسلمانان دیگر کمک کند.» «ایران قدرت خود را صرف پشتیبانی از سایر مسلمانان می‌کند.» (دیدبان، ۱۳۹۳: ۲).

### ۳-۷. همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌طلبی

امام خمینی (ره) در کلیه مسائل، مشکلات و چالش‌ها، قانون را سرلوحه کارها قرار می‌داد و بر این باور بود که طبق قانون، همه باید در صلح باشند. به عبارت دیگر، عدم تجاوز و توسعه‌طلبی از اصول مورد نظر ایشان برای مقابله با مسائل بود و می‌فرمود: " آنچه غایت تعلیمات اسلامی است، همزیستی مسالمت‌آمیز در سطح جهان است " (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۳۳۵). حضرت امام، مبنای برقرار روابط حسنه را در سیاست خارجی پذیرفته‌اند. تا انسان، جاهل یا مخالف با اصل نظام نباشد، نمی‌تواند بگوید یک نظام باید از دنیا منعزل باشد. اسلام یک نظام اجتماعی و حکومتی است و می‌خواهد با همه عالم روابط داشته باشد. و در زمان

صدر اسلام هم که خود رسول الله به اطراف، سفیر می‌فرستادند این حرف را نمی‌زدند. در هر صورت ما باید روابط داشته باشیم، آنها که غرض ندارند، ما هم با آنها غرض نداریم، کم کم باید روابط حسنه بشود. من امیدوارم این عمل را انجام دهید و دولت هم موفق باشد، منتها نباید تحت ساطه خارجی باشیم، نباید آنها دخالت در امور ما بکنند و نباید به ما خط بدهند. ما صلاح می‌خواهیم. ما با همه مردم دنیا صلاح می‌خواهیم باشیم. ما می‌خواهیم مسالمت با همه دنیا داشته باشیم. ما می‌خواهیم در بین مردم دنیا زندگی بکنیم، لکن آنها نمی‌گذارند. روابط ما با همه دولت‌ها و ملت‌ها حسنه است و ما بشر دوست هستیم و اصل در این روابط حسنه، عدم تعارض با منافع ماست (اسماعیلی، ۱۳۹۴: ۳). وجود روابط حسنه و مسالمت آمیز در بیانات امام خمینی به چشم می‌خورد. از منظر ایشان سیاست خارجی در حکومت اسلامی به همان میزان که از ارتباطات منافی با تعالیم اسلامی و اصول انسانی احتراز دارد، سیاست تنش زایی و انزوا طلبی را نیز نفی می‌کند. از منظر امام خمینی هر کشوری که از هویت مشروع برخوردار باشد و بر اساس اصول مقبول انسانی و اسلامی با حکومت اسلامی رابطه حسنه برقرار کند شایسته دوستی است (مخبر، ۱۳۹۳: ۳).

### ۳-۸. عدم مداخله در امور داخلی کشورها و احترام متقابل

از اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی، عدم دخالت در امور و شئون داخلی کشورهای دیگر و احترام متقابل است. به گونه‌ای که امام (ره) می‌فرماید: «دولت اسلامی با همه ملت‌ها و با همه دولت‌ها می‌خواهد که تفاهم و ارتباط صحیح داشته باشد، در صورتی که آن‌ها متقابلاً احترام دولت اسلامی را مراعات کنند» (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۳۳۶). حضرت امام عقیده دارند که، برنامه دولت اسلامی این است که همه بشر به سعادت برسند و در کنار هم در سلامت و رفاه زندگی کنند. اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حفظ استقلال، آزادی ملت و دولت و کشور است و احترام متقابل بعد از استقلال می‌باشد و فرقی بین آن‌ها نیست (اسماعیلی، ۱۳۹۴: ۲). امام در این مورد قائل به این است که اسلام برای همه و دلسوز برای بشر است و ما همه تابع اسلام و دلسوز برای بشر هستیم. به این معنا که «ما با هیچ ملتی بد نیستیم. اسلام آمده بود برای تمام ملل برای ناس...» «ما اعلام می‌کنیم که نظر تجاوز به هیچ یک از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی نداریم. ما می‌خواهیم که همه کشورهای اسلامی در محیط خودشان که هستند باهم برادر باشند.» ایشان در جای دیگری فرمودند: «ملت ایران اجازه نمی‌دهد که هیچ مملکتی در امور داخلی او دخالت کند و آزادی و استقلال خودش را حفظ می‌کند، و با تمام کشورها هم به طور احترام متقابل عمل خواهد کرد.» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۹۳). عدم مداخله در امور و شئون داخلی کشورهای دیگر و احترام متقابل لازمه منطقی همزیستی مسالمت آمیز و صلاح طلبی در سیاست خارجی است. زیرا مداخله در مسائل و موضوعاتی که به یک کشور و ملت خاص اختصاص دارد ممکن است موجب تنش، دشمنی، منازعه و نهایتاً جنگ بین کشورها گردد. به گونه‌ای که قانون اساسی بیان می‌دارد جمهوری اسلامی ایران متعهد به «... خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر...» است. امام خمینی نیز می‌گوید: «ما آن طور نیستیم که وقتی زور پیدا کردیم با قلدری بخواهیم در یک کشور دیگری دخالت کنیم.» «ما با تمام

ملتها در صورتی که دخالت در امور داخلی ما نکنند و برای ما احترام متقابل قائل باشند با احترام رفتار می‌کنیم.» قابل تذکر است که احترام به سایر کشورها منوط بر عدم مداخله و رفتار مناسب متقابل آنها می‌باشد (دیدبان، ۱۳۹۳: ۲).

### ۳-۹. حفظ استقلال و نفی وابستگی

امام ماهیت روابط بین‌المللی را منطبق بر مصالح و منافع ملی در حکومت دینی می‌دانند؛ به این معنا که مصالح و منافع ملی است که روابط بین‌المللی را در حکومت اسلامی شکل می‌بخشد. در این دیدگاه مصالح ملی، نوسازی کشور، آزادی و استقلال همیشه بر روابط خارجی حکومت اسلامی حاکم است. سیاست ما همیشه بر مبنای حفظ آزادی و استقلال و حفظ منافع مردم است. که این اصل را هرگز فدای چیزی نمی‌کنیم. در تمام زمینه‌ها، ما در جهت منافع مردم خود گام برمی‌داریم و با آنچه صلاح آنان و پاسخگوی آرمان اسلامی آنان باشد عمل می‌کنیم. اصلی که غیرقابل تغییر است این است که سیاست خارجی ما باید بر مبنای حفظ آزادی و استقلال کشور و نیز حفظ مصالح و منافع ملت ایران باشد. حضرت امام اصل تعامل سازنده و مؤثر را برای تأمین منافع ملت امر لازم و ضروری دانسته و با تأمین منافع ملی و اصول اسلامی و انسانی رابطه با هر کشوری را مجاز می‌دانند. سیاست دولت اسلامی، حفظ استقلال، آزادی ملت و دولت و کشور و احترام متقابل بعد از استقلال تمام خواهد بود (اسماعیلی، ۱۳۹۴: ۳). امام خمینی استقلال ملی را به‌عنوان یکی از بنیادهای اسلام معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «بنیاد دیگر اسلام، اصل استقلال ملی است. قوانین اسلام تصریح دارند که هیچ ملتی و هیچ شخصی حق مداخله در امور کشور ما را ندارد». استقلال ملی که به معنای خود اتکائی در همه شئون اداره سیاسی کشور است اصل تخلف ناپذیری است که دولت اسلامی می‌باید بدان پایبند باشد. امام خمینی هرگونه وابستگی را موجب از میان رفتن استقلال کشور می‌دانند و بر نفی آن در عین نفی انزوای بین‌المللی تأکید می‌ورزند. «ما خواهان قطع روابط نیستیم. ما خواهان قطع وابستگی‌های ایران به دول خارجی هستیم». بر این اساس حکومت اسلامی موظف است بنای روابط سیاسی خود را همواره بر مبنای روابط سازنده با حفظ استقلال کشور و رعایت منافع و مصالح ملی قرار دهد و از هرگونه رابطه‌ای که در نتیجه آن استقلال کشور مخدوش شود پرهیز کند و در این مورد فرقی بین رابطه با ابرقدرت‌ها و قدرت‌های دیگر نیست. «ما هرگز داخل درهای بسته زندگی نمی‌کنیم، ولی این درها را نیز برای استعمارگران باز نمی‌نمائیم ... روابط خارجی ما بر اساس حفظ آزادی، استقلال و حفظ مصالح و منافع اسلام و مسلمین است و بر این اساس با هر کشوری که مایل باشد با احترام متقابل عمل می‌کنیم» (مخبر، ۱۳۹۳: ۵).

### ۳-۱۰. اصل پایبندی به قراردادهای بین‌المللی و وفای به عهده

یکی از وجوه و ابعاد مهم نظام بین‌الملل و الگوهای تعامل حاکم بر روابط و مناسبات کشورها معاهدات، پیمان‌ها، قراردادهای و قواعدی است که در قالب قوانین و حقوق بین‌الملل تجلی می‌یابند. بنابراین جهت حفظ صلح، ثبات و امنیت جهانی، همه کشورها باید متعهد به این قوانین باشند. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک عضو مسول جامعه بین‌المللی همواره پایبندی خود به قوانین، معاهدات و قراردادهای بین‌المللی را نشان داده است (دیدبان، ۱۳۹۳: ۳). بی تردید وفای به تعهدات و پایبندی به

قراردادها را می‌توان از برترین و پر تأکیدترین آموزه‌های اسلامی دانست (مخبر، ۱۳۹۳: ۹). برای نمونه بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران در این مورد بیان می‌دارد: «ما از باب اینکه تابع اسلام هستیم، قراردادهایی که شده است، محترم می‌شماریم» (دیدبان، ۱۳۹۳: ۳).

#### ۴. سنجش اندیشه سیاسی امام خمینی با مؤلفه های گفتمان سیاست خارجی اعتدال‌گرا

از منظر امام، راه میانه و اعتدال، داشتن روحیه‌ی انقلابی برای ایستادن در برابر استعمار و استبداد و درعین‌حال، رعایت عدالت در منصب قدرت است. لذا مشی سیاست خارجی حضرت امام خمینی را باید رویکردی اعتدال‌گرا دانست. رویکردی که در چارچوب اصول سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی متجلی و تبلور است. اگر مفهوم اعتدال در چارچوب اندیشه‌ی اسلام ناب محمدی (ص)، که مقصود حضرت امام بوده است، معیار قرار گیرد، می‌توان گفت که اعتدال یکی از اجزا و عناصر اصلی هویت انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی است. عنصری که نه تنها بیگانه با هویت و مبانی نظام جمهوری اسلامی نیست، بلکه می‌تواند موجب پیشبرد و تکامل اهداف انقلاب اسلامی گردد. بارزترین عرصه تجلی و تبلور این اعتدال، عرصه سیاست خارجی است که هرگونه افراط و تفریط در این حوزه، سبب وابستگی، عقب ماندن و انحطاط جامعه‌ی انسانی می‌گردد. وابستگی به غرب، که در نتیجه عدم اعتماد به اصول اسلام به وجود می‌آید، سبب تباهی ظرفیت‌ها و استعدادهای جامعه اسلامی می‌گردد (صفری، ۱۳۹۳: ۶۷).

دیدگاه حضرت امام خمینی در زمینه سیاست خارجی برگرفته از تفکری فراگیر و همه‌جانبه است که محوریت آن را تأمین منافع اسلام و ایران بر اساس عزت جهانی، اتحاد جهان اسلام و مقابله با سیاست های تفرقه افکنانه دشمنان اسلام و در نهایت حمایت از ملت های مظلوم در برابر ظالمان و زور مداران جهان تشکیل می‌داد. مجموع این اصول، تعالیمی کاربردی و عملی برای دستگاه دیپلماسی کشور است که تأمین کنند منافع کشور، کل جهان اسلام و مظلومان جهان خواهد بود. از این رو هر دولتی با هرگونه جهت گیری و از هر جناح سیاسی که بر سر کار آید، موظف بر پایبندی به اصول سیاست خارجی که برگرفته شده از دیدگاه های الهی و اسلامی امام و میثاق ملی است، می‌باشد (خدادادی، ۱۳۹۳: ۶). حضرت امام دارای جایگاه ویژه ای در تبیین اصول و مبانی سیاست خارجی هستند. در اندیشه حضرت امام به‌عنوان معمار انقلاب می‌توان مبانی و اصولی یافت، که اندیشه سیاسی امام در حوزه سیاست خارجی را تبیین می‌نماید (اسماعیلی، ۱۳۹۴: ۱).

آنچه از دیدگاه امام خمینی در زمینه سیاست خارجی برداشت می‌شود، سیاست و روش اعتدال است. یعنی هم صلح و همزیستی مسالمت آمیز، هم مذاکره و ارتباط بر اساس منافع مشترک و هم مقابله با دشمنان و مخالفانی که در صدد جنگ و از بین بردن کشور و مسلمانان هستند. به اعتقاد حضرت امام رابطه ما حتی با دشمنانمان هم نباید با خشونت و جنگ باشد؛ اگر بتوانیم مسائل خود را با مذاکره و گفت و گو حل کنیم به هیچ وجه جایز نیست که با خشونت رفتار کنیم. به جز زمانی که بخواهند تجاوز کنند و حقوق ملت و نظام را از بین ببرند که در این صورت مقاومت و دفاع است و مقاومت غیر از خشونت ورزی و جنگ به حساب می‌آید.

آید. به همین دلیل در اوج اختلاف و دشمنی با آمریکا حضرت امام می فرماید: در صورتی که ملت ایران قانع شود که سران آمریکا قصد انجام عمل ناروا علیه ما را ندارند، می‌توان آن نوع روابطی که ما با دیگر کشورها داریم، با آمریکا هم داشته باشیم. حضرت امام معتقد است هرگز داخل درهای بسته نمی‌توان زندگی کرد و با دنیا ارتباط نداشت، ولی این درها را هم نباید برای استعمارگران و کفار حربی باز نمود. روابط خارجی ما بر اساس حفظ آزادی، استقلال و حفظ مصالح و منافع اسلام و مسلمین است و بر این اساس با هر کشوری که مایل باشد با احترام متقابل عمل می‌کنیم؛ چه شوروی (روسیه فعلی) باشد و چه آمریکا، فرقی نمی‌کند. در منظر حضرت امام در سیاست خارجی هم می‌توان سیاست رحمانی داشت. اهل خشونت نبود و این به معنی وادادگی در برابر دشمن نیست (رجایی، ۱۳۹۴).

در رابطه با مبانی سیاست خارجی از منظر اندیشه سیاسی امام خمینی می‌توان به این موارد اشاره کرد، که همان اصول و مبانی گفتمان اعتدال گرایی در سیاست خارجی می‌باشند.

۱. اخلاق محوری در روابط بین الملل: در مورد اخلاق محوری در روابط بین الملل، بی تردید امام یک آرمان گرای بزرگ است و هرگز اخلاق را در مصالحه با قدرت، قربانی نمی‌کند و به دنبال اخلاقی کردن سیاست در داخل و روابط میان ملت‌ها است. البته این بدین معنا نیست که امام تماما از عنصر قدرت غافل و به آن بی توجه است، بلکه ایشان به شدت به روابط قدرت در عرصه بین المللی حساس بودند. علاوه بر این بر اساس مبانی فلسفی و عرفانی امام، قدرت فی نفسه شر نیست، بلکه جلوه جمال و پرتو جلال الهی است. با این حال ایشان در عرصه سیاست، اعم از داخلی و خارجی به دنبال پیوند اخلاق و سیاست بودند و بی گمان در این زمینه پیشرو آرمان‌گرایان هستند (خدادادی، ۱۳۹۳: ۲).

۲. تکلیف‌گرایی و نتیجه‌گرایی در روابط بین الملل: تکلیف‌گرایی از دیدگاه امام نیز با توجه به این مسئله قابل درک است. یکی از اصول مهمی که امام خمینی در سیاست داخلی و خارجی بر آن تاکید می‌کرد، تکلیف‌گرایی فارغ از نتیجه بود که شاید در نگاه اول غیر قابل درک باشد، ولی عملکرد امام و تحلیل آن می‌تواند تا حد زیادی این موضوع را تبیین کند. سؤال این است که آیا در هر شرایط و در هر زمینه‌ای، تکلیف فارغ از سود و زیان آن مورد توجه است. به نظر می‌رسد که براساس عملکرد امام، نمی‌توان به این سؤال پاسخ مثبتی داد. امام در زمینه حفظ اسلام و جلوگیری از هرگونه تعرض به ارزش‌های آن، به تکلیف اسلامی فارغ از هر نتیجه و سود و زیانی عمل می‌کرد، ولی در کلیه زمینه‌های سیاست خارجی این گونه نبودند. مورد سلمان رشدی و فتوای امام بر قتل ایشان، بیانگر همین مسئله است. این اقدام با اینکه در اواخر عمر ایشان صورت گرفت و از لحاظ زمانی متاخر بر اقداماتی بود که به نظر می‌رسید در آنها به اصل نتیجه و سود و زیان توجه شده (مانند پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل و پایان جنگ)، ولی فارغ از تمام جهت‌گیری‌ها و قطب‌بندی‌های بین‌المللی و با علم به آثار جهانی مترتب بر آن، فتوای مذکور را صادر کرد که می‌توان گفت صرفاً عملی بر حسب تکلیف بود. این فتوا نشان داد که در جایی که هویت و کیان اسلام در معرض تهدید است و ارزش‌های اساسی آن مورد تحقیر واقع شده، محل تامل در باب سود و زیان یک فعل نیست؛ ولی پذیرش قطعنامه و پایان جنگ هم نشان می‌دهد که امام همیشه فارغ از سود و زیان و نتیجه، تصمیم نمی‌گرفتند. در واقع عملکرد خود حضرت امام

نشان می دهد که این کلام در مقامی مصداق دارد که عمل واقعا از جنس تکلیف، آن هم یک تکلیف بزرگ و حیاتی است و کیان و موجودیت کل مسلمانان به آن بستگی دارد (خدادادی، ۱۳۹۳: ۳).

۳. آرمانگرایی واقع گرا در روابط بین الملل: رهبری امام خمینی؛ آمیزه پیچیده‌ای از آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی است. آیت‌ا... خمینی به‌عنوان داور نهایی مسائل ایران شخصاً نه یک آرمان‌گرای محض است و نه یک واقع‌گرای ناب. برای این امر دو دلیل وجود دارد. نخست، با توجه به سیال بودن سیاست گروه‌های ایرانی، آیت‌ا... خمینی با ایفای نقش متوازن‌کننده‌ای که بسته به شرایط، وزن خود را به کفه این جناح یا آن جناح می‌افزاید منافع کلی کشور را در نظر دارد. دوم، عملکرد کلی او به‌عنوان رهبر مخالفان اسلامی رژیم شاه و بلندپایه‌ترین رهبر ایران از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ روشن می‌سازد که رهبری وی آمیزه پیچیده‌ای از آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی است؛ آمیزه‌ای که درک آن برای غربیان دشوار است و همین موجب شده است روزنامه‌نگاران آمریکایی القاب توهین‌آمیزی چون «متحجر» درباره او به کار برند و جامعه سیاسی آمریکا نیز پیوسته از «آشفتنگی» سیاست خارجی او شگفت‌زده باشد. آیت‌ا... خمینی هم از گروهان‌گیری حمایت کرد و هم خود، آنها را آزاد ساخت. او تصمیم به ادامه جنگ گرفت و هم سرانجام به جنگ پایان بخشید. باید گفت شخص امام پیوسته خط امام را متحول می‌ساخت (اسماعیلی، ۱۳۹۴: ۲). با نگاهی به سیره عملی امام خمینی می‌توان تلفیقی از آرمان‌گرایی و واقع‌بینی را در رویکرد امام به سیاست مشاهده کرد. بر این اساس، آنچه از تدبیر در اقوال و اعمال امام برمی‌آید، آن است که ایشان آرمان‌گرایی واقع‌بین بود و حتی در مواردی که به ظاهر حاکی از آرمان‌گرایی یا واقع‌گرایی ایشان است، صبغه‌هایی از هر دو رویکرد ملاحظه می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که حضرت امام در اندیشه‌های سیاسی خود، آرمان‌گرا باقی ماند، حتی برخلاف عقیده برخی از تحلیل‌گران مبنی بر اینکه ایشان در آرا و مواضع سیاسی اواخر عمر پر برکتشان به واقع‌گرایی نزدیک شدند. باز هم رعایت مصالح جامعه اسلامی و فراهم شدن شرایط برای تحقق آرمان‌های اسلام و انقلاب در کانون اتخاذ تصمیمات اواخر عمرشان بود. به‌طور بسیار واضح تر می‌توان گفت رهیافت واقع‌گرا در اندیشه امام به نوع و سطح مناسبات امام در صحنه خارجی بر اساس تجربه تاریخی و مطالعه وضع مسلمانان و مستضعفان جهان و درکی عمیق از سیاست و رفتار بازیگران این عرصه، به ویژه زیاده‌خواهی قدرت‌های بزرگ بود. بنابراین ایشان به دنبال امتزاج عقل‌گرایی و اخلاق‌گرایی (به‌عنوان دو پایه عمده سیاست خارجی) بودند و این گونه نبود که به بهانه اخلاق‌گرایی، اصول عقلانی را در سیاست خارجی نادیده بگیرند. از همین جهت است که در عین آرمان‌گرایی به تأمین منافع ملی نیز اهمیت می‌دهد و این را در مقاطع مختلف نشان داده است (خدادادی، ۱۳۹۳: ۳).

راهبردی که امام خمینی (ره) در عرصه نظام بین‌الملل در پیش گرفته بود، حکایت از نوعی «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» داشت. این الگو، ضمن تأکید بر صلاح‌گرایی نهادینه، بهره‌گیری از قدرت در راستای منافع بشریت را مورد تأکید قرار می‌دهد. رهنامه ایشان را می‌توان به نوعی تجلی‌بخش نظریه وحدت در عین کثرت دانست که روش و شیوه‌های مختلف و متعدد، در راستای ارزشی واحد به نام اسلام قرار می‌گیرند و اخلاق‌گرایی و قانون‌گرایی نیز در راستای قدرت و منافع ملی و اسلامی واقع می‌شود. رویکرد امام بر همکنشی دولت‌ملت و نظام بین‌المللی تأکید دارد و بر انگاره‌هایی همچون؛ تلفیق ژئواستراتژی و ژئوایدئولوژی، پیوند سیاست

داخلی و سیاست خارجی، استراتژی دفع و جذب، شیوهای مترابندی و متنازعی، اهداف ملی و فراملی، قدرت معنوی و مادی و امتزاج حقیقت و واقعیت استوار است (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۳۳۶).

### جمع بندی و نتیجه گیری

در این پژوهش ضمن معرفی گفتمان سیاست خارجی اعتدال گرا به عنوان گفتمان جدید مطرح شده در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و همین طور بررسی شخصیت امام خمینی و معرفی اصول و مبانی اعتدال گرایی در اندیشه سیاسی ایشان، به تطبیق مؤلفه ها، عناصر و ویژگی های گفتمان سیاست خارجی اعتدال گرا در اندیشه سیاسی امام خمینی پرداخته شد. رویکرد امام در حوزه های مختلف داخلی و خارجی به ویژه در عرصه سیاست خارجی رویکردی معتدل با مشی اعتدال گراست و در تقابل با رویکردهای افراطی و تفریطی قرار دارد. نگرش اعتدالی امام خمینی آرمان های انقلابی و عادلانه را پی می گیرد، در عین حال به منافع ملی نیز توجه دارد و با نگاه واقع بینانه به این حوزه می نگرد. همان اصول و مؤلفه هائی که در گفتمان اعتدال گرای سیاست خارجی وجود دارد و تعادل و توازن بین واقع گرایی و آرمان گرایی در نگاه امام یکی از دال های مرکزی گفتمان سیاست خارجی اعتدال گرا را شکل می دهد.

در اندیشه سیاسی امام خمینی اعتدال در سیاست خارجی مترادف با سلطه پذیری نیست، بلکه سلطه پذیری عین خروج از اعتدال است. امام با درک صحیح و مناسب روابط و معادلات بین المللی، سلطه جوئی و سلطه پذیری را رد کرده و هر دو را مسیر افراط و تفریط دانسته و به تعادل تأکید دارند. از این رو، سیاست خارجی اعتدال گرا متضمن تعادل و توازن بین آرمان گرایی و واقع گرایی، اهداف سیاست خارجی، مصالح اسلامی و منافع ملی، اهداف و ابزار سیاست خارجی، عناصر قدرت ملی، اعمال قدرت و دیپلماسی، حق و تکلیف، عزت، حکمت و مصلحت، ساختار سیاست خارجی، توسعه روابط خارجی و عقلانیت های مختلف است. همچنین سیاست خارجی اعتدال گرا متضمن و مستلزم این الزامات رفتاری است: خردورزی، واقع بینی، تحول گرایی، تعامل گرایی، توسعه گرایی، امنیت طلبی، اقتدارافزایی و منزلت طلبی، صلاح طلبی مثبت، عدالت گرایی، کمال گرایی و چندجانبه گرایی. در واقع، آنچه در میان اصول، مبانی و اهداف گفته شده از دیدگاه امام خمینی، بارز بود و جلب توجه می کرد و سیاست خارجی ایران را تشکیل می داد، عبارت بودند از: استقلال، صدور انقلاب، اتحاد امت اسلامی، احترام به حقوق متقابل، نفی ظلم، اصل نفی سبیل، روابط حسنه و مسالمت آمیز با دیگران، دفاع از کیان اسلام و مسلمین، سیاست نه شرقی، نه غربی، گسترش روابط بنا بر مبانی اسلامی و انسانی و کمک به نهضت های آزادی بخش. همچنین در زمینه اصول سیاست خارجی تلاش شد تا تقدم و تأخر اصول نیز رعایت شود.



## فهرست منابع

- ایرنا (۱۳۹۳)، «آزادی، اعتدال و مردم سالاری در اندیشه امام خمینی»، خبرگزاری جمهوری اسلامی: ایرنا، گروه پژوهش‌های خبری، کد خبر: ۸۱۱۸۸۸۲۷، قابل دسترس در: <http://www.irna.ir/fa/News/81188827/>
- بنی هاشمی، فهیمه السادات (۱۳۹۰)، «ابعاد اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، وب سایت اندیشه سیاسی امام (ره)، قابل دسترس در: <http://marde-andishe.blogfa.com/>
- جعفری، علی اکبر و ذوالفقاری، وحید (۱۳۹۱)، «اندیشه و راهبردهای اعمالی امام خمینی در نظام بین الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و ششم، شماره دو، صص ۳۴۴-۳۲۵.
- خانی، حسین (۱۳۸۹)، «مؤلفه های نظری اقتدار ملی در سیاست خارجی اسلامی با تأکید بر اندیشه های امام خمینی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره سوم، شماره مسلسل ۴۹، صص ۱۶۹-۱۴۹.
- خدادی، حسن (۱۳۹۳)، «مبانی، اصول سیاست خارجی از منظر امام خمینی (ره)»، شورای سیاست گذاری ائمه جمعه، آرشیو مقالات، کد مقاله: ۴۲۷۲، قابل دسترس در: <http://www.imamatjome.com/Articles/ArticlesShow.aspx?id=4272>
- خرازی، صادق (۱۳۹۰)، «حمایت از محرومین و مستضعفین جهان از اصول مهم سیاست خارجی امام بود»، پایگاه دیپلماسی ایرانی، قابل دسترس در: <http://irdiplomacy.ir/fa/page/12950/>
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال الدین (۱۳۹۳)، «گفت‌و‌گاو اعتدال گرانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، شماره یک، صص ۳۹-۱.
- دیدبان (۱۳۹۳)، «میزان تطابق اقدامات وزارت خارجه با اصول سیاست خارجی ایران - سنجش رفتار وزارت خارجه با اصول امام(ره)»، پایگاه تبیینی و تحلیلی جریان شناسی، بخش سیاست، کد خبر: ۹۷۱۷، قابل دسترس در: <http://didban.ir/fa/news-details/9717>
- رجائی، محمد (۱۳۹۴)، «نگاه رحمانی و اعتدالی امام خمینی در سیاست خارجی»، هفته نامه حریم امام (ره)، شماره ۱۸۲، منبع: سایت جماران، پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران، قابل دسترس در: <http://www.jamaran.ir>
- رشد (۱۳۹۴)، «امام خمینی - رعایت اعتدال»، شبکه ملی مدارس: رشد، بخش شخصیت ها، قابل دسترس در: <http://dane.shnameh.roshd.ir/>
- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۹۳)، «امام در سیاست خارجی دو سطح آرمانی و عملیاتی را هم زمان دنبال می‌کردند»، پرتال پژوهشی و اطلاع رسانی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قابل دسترس در: <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n22775>
- صفری، مریم (۱۳۹۳)، «شاخصه‌های اعتدال در مکتب امام خمینی»، پایگاه خبری تحلیلی رئیس جمهور ما، قابل دسترس در: <http://www.ourpresident.ir/analysis/explanation/>



مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (۱۳۹۴)، «ستکبار ستیزی از نگاه امام خمینی»، پرتال پژوهشی و اطلاع رسانی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، قابل دسترس در: <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n3001/>.

مخبر، سیدمحمدحسن (۱۳۹۳)، «سیاست و روابط خارجی در اندیشه امام خمینی»، پایگاه جامع تاریخ معاصر ایران، بخش انقلاب اسلامی - مقالات، قابل دسترس در: <http://revolution.pchi.ir/show.php?page=contents&id=13809>.